



سرهنگ پاشایی با بیان این‌که برخی مربیان فوتبالی لیگ برتر، طی تماس با پلیس فتا ادعا کردند که تماس‌هایی مبنی بر «تبانی» داشته‌اند و پلیس فتا به این موضوع ورود کرده است، گفت: سازمان لیگ و حراست وزارت ورزش هم به این موضوع ورود کرده و در حال بررسی هستند. او در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که آیا مستنداتی مبنی بر تبانی در تیم‌های فوتبالی لیگ برتر دارید یا خیر، اظهار کرد: طی تماس‌هایی که با پلیس فتا گرفته شده، ادله و مستندات ارائه شده که به دلایلی، از اعلام جزئیات

آن معذور هستیم.

معاون فرهنگی و اجتماعی پلیس فتا فراجا با اشاره به فروش بلیت بازی‌های حساس فوتبالی در فضای مجازی گفت: به جرأت می‌توانم بگویم که ۸۰ درصد تبلیغات فروش بلیت فوتبال در فضای مجازی دروغ است، چرا که افراد بیعانه دریافت می‌کنند و کاربر را بلاک می‌کنند و هیچ بلیتی به آنها نمی‌دهند.

سرهنگ پاشایی در پایان گفت: بارها دیده شده است که بلیت یک دیدار حتی دو تا سه میلیون تومان هم به فروش رسیده است، این درحالی است که مردم می‌توانند از سایت رسمی سازمان لیگ، بلیت بازی مورد نظر خود را خریداری کنند و در دام کلاهبرداران نیفتند.

مکافات

تشر

ویژنامه حوادث | روزنامه جام جم | ۳

چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۰

جنایت به خاطر مرد زن نما

راز گشایی از قتل مردی که قربانی خیانت همسرش و سوءاستفاده مرد نقاشی شده بوده
خاطرهای است که امروز آن را روایت کرده‌ایم

چند سال قبل روز کشیک قتل من بود که خبر دادند مردی در یکی از محله‌های شهر با ضربه تیغ موکت‌بری به شاه‌رگش به قتل رسیده و قاتل هم در همان محل قتل دستگیر شده است. دستور حفظ صحنه جرم را دادم و راهی آنجا شدم. جسد مردی جوان غرق در خون کنار موتورسیکلتش افتاده بود و در فاصله چند متری او مردی دستبند به دست ایستاده بود که از وضعیتش می‌شد فهمید قاتل است. مأمور کلاتری تیغ موکت‌بری خونینی را که داخل کیسه پلاستیکی بود به من داد و گفت: مقتول سوار موتور در حال رفتن به خانه‌اش در این حوالی بود که متهم به او حمله می‌کند و یک ضربه به شاه‌رگ او می‌زند. بعد هم قصد فرار از محل را داشت که از سوی اهالی دستگیر شد.

با بررسی مقدماتی دستور انتقال جسد به پزشکی قانونی را صادر کردم. متهم هم به مقر پلیس منتقل شد تا از او تحقیق کنم. مرد میانسال در ابتدای بازجویی، قیافه‌ای حق به جانب به خود گرفت و گفت: مقتول حقش بود بمیرد. او مزاحم دخترخاله‌ام شده بود و باید کشته می‌شد. من از ناموسم دفاع کردم. دستور بررسی این ادعا را صادر کردم و از متهم خواستم نشانی دخترخاله‌اش را بدهد اما او یک دفعه رنگ باخت. بررسی‌ها هم نشان داد او اهل تهران است و با طرح این ادعای دروغ قصد دارد مسیر تحقیقات را تغییر دهد. به بازجویی از او ادامه دادیم تا این‌که لب به اعتراف گشود و جزئیات انگیزه‌اش را از جنایت فاش کرد. مرد میانسال مدعی شد به خاطر یک عشق پنهانی مرتکب قتل شده است: «من در یک شرکت حمل و نقل هوایی در تهران کار می‌کنم و از طریق یک تماس تلفنی با زن ۲۸ ساله‌ای که ساکن مشهد بود، آشنا شدم که این آشنایی مدتی بعد به روابط پنهانی انجامید. به همین منظور چند بار به مشهد سفر کردم و با زن جوان قرار ملاقات گذاشتم اما از حدود ۲۰ روز قبل پیامک‌هایی از یک شماره تلفن ناشناس برایم ارسال می‌شد که محتویات آن نشان می‌داد زن جوان با همسرش اختلافات زیادی دارد. در همین هنگام نیز مبلغ ۳۰۰ هزار تومان پول به شماره حسابی که برایم ارسال کرده بود، واریز کردم.

آخرین بار روز حادثه به مشهد آمدم تا آن زن را دوباره ملاقات کنم به همین دلیل سنگریزه‌ای به پنجره منزل او پرت کردم، ولی زن مذکور تکه کاغذی برایم

انداخت که روی آن نوشته بود به خاطر اینکه مادرش در منزل آنهاست نمی‌تواند مرا ملاقات کند. این بود که من منتظر ماندم تا او فرزندش را به مدرسه ببرد ولی باز هم امکان ملاقات ما فراهم نشد. درحالی که در همان محل منتظر بودم ناگهان همسر او را دیدم که سوار بر موتورسیکلت بود. به طرف او رفتم و با تیغ موکت‌بری دو ضربه به گردنش زدم که پس از آن هم توسط یکی از شهروندان دستگیر شدم.» پس از اعترافات این مرد دستور بازداشت زن جوان را صادر کردم.

زن جوان وقتی رو به رویم نشست به ارتباط با این مرد اعتراف کرد اما مدعی شد در قتل شوهرش نقش نداشته و درباره اختلاف با همسرش چیزی به او نگفته بود. این زن در اظهاراتش گفت: «حدود یک سال قبل شماره تلفنی را که روی کاغذی نوشته شده بود، پیدا کردم و با آن شماره تماس گرفتم. وقتی مردی پاسخ تلفن را داد به‌طور اتفاقی نام مردی را بر زبان راندم که به این ترتیب رابطه تلفنی ما با یکدیگر آغاز شد و او چند بار برای ملاقات با من به مشهد آمد اما از حدود یک ماه قبل دیگر نمی‌خواستم با آن مرد رابطه‌ای داشته باشم، چرا که شماره تلفن پنهانی ایرانسل من نیز سوخته بود و به همین دلیل با گوشی تلفن مرد نقاشی که در حال نقاشی ساختمان منزل من بود با آن مرد تماس گرفتم و گفتم دست از سر من بردارد، ولی من پولی از او دریافت نکردم.»

با ادعای این زن برای بررسی موضوع دستور دادم پرینت پیامک‌های هر دو متهم بررسی شود که مشخص شد مرد میانسال راست گفته و پیامک دریافت پول و اختلاف با همسر برایش ارسال شده است. در حالی که زن جوان منکر این موضوع بود به مرد نقاش شک کرده و با بررسی شماره تلفنی که برای متهم پیامک ارسال کرده بود، دریافتیم پیامک‌ها توسط مرد نقاش و به اسم همسر مقتول ارسال شده است.

برای اثبات این موضوع دستور بازداشت مرد نقاش را صادر کردم. او خیلی زود لب به اعتراف گشود و گفت:

«وقتی به رابطه زن جوان و آن مرد پی بردم از او خواستم مبلغی را به حسابم واریز کند اما او وقتی به موضوع مشکوک شد که چرا شماره حساب مربوط به یک مرد را در اختیار وی گذاشته‌ام دوباره پیامکی از طرف آن زن ارسال و عنوان کردم که شماره حساب مربوط به شوهر دوستم است و این‌گونه ۳۰۰ هزار تومان به حسابم

واریز شد. نقاش ۲۷ ساله ادامه داد: من پیامک‌های عاشقانه از طرف زن جوان برای مرد ۵۱ ساله می‌فرستادم و چنین وانمود می‌کردم که قصد گرفتن طلاق از همسرم را دارم و او نیز پاسخ داد: من می‌آیم و کار را تمام می‌کنم. فکر نمی‌کردم این حرف‌ها باعث قتل شود.» با تکمیل تحقیقات، پرونده به دادگاه انتقال یافت که پس از محاکمه، مرد میانسال به اتهام قتل به قصاص محکوم شد. قضات، همسر مقتول را هم به زندان طولانی مدت محکوم کردند. با تأیید این حکم در دیوان عالی کشور، با درخواست اولیای دم حکم قصاص در زندان اجرا شد.